



آیا ساختار امروزی مقررات اعتبارات ◀
اسنادی، ضامن بقای این سند تجاری
خواهد بود یا این که وزن زیاد این
مقررات، این ابزار را از کار خواهد
انداخت؟

حقوق بانکی بین المللی

تکامل اعتبار اسنادی

ماخذ: Documentory Credit World / October 2002

تالیف: Philip J. De Chiara

ترجمه: مهدی مختاری @ Mokhtari mehdi @ Yahoo.com

مدارک و مستنداتی را که در متن اعتبارنامه پیش‌بینی شده است، از وی دریافت کرده باشد. البته عوامل متعدد دیگری، همچون پایین آمدن ریسک معاملات اعتباری یا امکان بهره‌گیری از تسهیلات بعضی از موسسات اعتباری هم می‌تواند در گرایش هر چه بیشتر فروشندگان کالا به استفاده از اعتبارات اسنادی نقش داشته باشد. اگرچه اینها ملاحظات فرعی و

قبال تحویل مدارک مثبت ارسال کالای مورد معامله به مقصد خریدار، تضمین می‌نماید. متقابلاً برای خریدار نیز این فایده را دارد که تضمین می‌کند که ثالث بی‌طرفی -- که معمولاً یک بانک است و تنها نقش واسطه‌ای نظارت‌کننده را بر عهده دارد -- مبلغ قرارداد را تنها در صورتی به فروشنده پرداخت خواهد کرد یا پرداخت آن را تضمین خواهد کرد که قبلاً

هدف «اعتبار اسنادی» (Letter of Credit - L.C) همواره این بوده که به عنوان یک سند تجاری، انجام معامله میان خریدار و فروشنده را تسهیل نماید.

اعتبار اسنادی، در واقع، دریافت پول کالایی را که فروشنده فروخته یا خدمتی را که ارایه داده است، در

ناوی هستند و علت اصلی و اولیه تقاضای فروشنده از خریدار برای تهیه اعتبار اسنادی، همان است که قبلاً ذکر شد.

سابقه استفاده از اعتبار اسنادی به تمدن بابل (در بین‌النهرین) بازمی‌گردد. در آن زمان، احتمالاً اینگونه عمل می‌شده که ورقه‌ای از طرف فردی سرشناس و معتبر صادر می‌شده که فروشنده کالا آن را به عنوان پول جنسی که فروخته، قبول می‌کرده است. این ورقه، در حقیقت، همان اعتبار اسنادی امروزی بوده که البته با گذشت زمان، قواعد و قوانین محلی و بین‌المللی حاکم بر آن توسعه و تکامل یافته است. حال و در این زمانه، این سوال مطرح می‌شود که آیا ساختار امروزی مقررات حاکم بر اعتبارات اسنادی، ضامن بقای این سند تجاری خواهد بود یا این که برعکس، وزن زیاد آن همچون سنگ آسیابی، در گردن، باعث زمین خوردن آن خواهد شد و هر روز از میزان مقبولیت آن در نزد خریداران و فروشنندگان کالا خواهد کاست؟

گذشته: پیدایش و ظهور استانداردهای ویژه

شکل‌گیری رسمی اعتبارات اسنادی به دهه ۱۹۲۰ میلادی بازمی‌گردد. در طول این دهه، گروهی از بانکداران نیویورک در راه ایجاد استانداردهایی که بتواند در معاملات مربوط به اعتبار اسنادی (مورد استفاده در صادرات کالا) به کار گرفته شود، تلاش کردند. مسلماً این اقدام بانکداران نیویورک را باید اولین اقدام هماهنگ در راستای ایجاد قواعد و استانداردهای ناظر بر اعتبارات اسنادی دانست.

به دنبال آن، در سایه توجهات «اتاق بازرگانی بین‌المللی» (International Chamber of Commerce - ICC) در سال ۱۹۳۳ میلادی، قواعد و مقررات ناظر بر اعتبارات اسنادی، زیر عنوان «رویه و عرف‌های متحدالشکل مربوط به اعتبارات اسنادی» (Uniform Customs and Practice for Documentary Credits^(۱)) مدون گردید.

اگرچه عملکرد بانکداران نیویورک در دهه ۱۹۲۰ اولین قدم اساسی در راه تدوین مقررات مربوط به اعتبارات اسنادی بود، اما تدوین UCP‌های ۱۹۹۳، ۱۹۵۱، ۱۹۶۲، ۱۹۷۴، ۱۹۸۳، ۱۹۹۴ و بالاخره تدوین ۹۸ ISP^(۲) نیز گام‌های ارزشمند دیگری بودند که اعتبارات اسنادی را به جایگاهی که امروزه داراست، رساندند. البته در طول این سال‌ها، جهان شاهد رخدادها و پیشرفت‌های دیگری نیز در عرصه تجارت جهانی بوده است که از جمله آنها می‌توان به پیدایش و توسعه حمل و نقل هوایی، حمل

و نقل کانتینری و دیگر نوآوری‌های فنی اشاره کرد. این پیشرفت‌ها در حوزه بانکداری و مشخصاً در شکل‌گیری اعتبارات اسنادی نیز اثرگذار بوده و باعث ایجاد تغییر در مفاد آنها، نوع اسناد و مدارکی که باید ارائه شود و نحوه ارزیابی آنها شده است. ردیابی این اثرگذاری و تغییر را می‌توان در UCP و بازنگری‌های متعددی که در آن شده است و در سایر مقررات و استانداردهای مربوط جستجو کرد.

مشخص‌ترین تغییر در این حوزه، به تحول «اعتبارات اسنادی تضمینی» (Standby Letters of Credit^(۳)) مربوط می‌شود که مرزهای تجاری UCP را در نوردیده است. برداشتهای متفاوتی که از نحوه عملکرد اعتبارات تضمینی وجود داشت و ضرورت‌های عملی خاص، تدوین مجموعه مقرراتی ویژه و مستقل را برای این نوع از اعتبارات اسنادی اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. در فرآیند تکامل اعتبارات اسنادی، این نیاز با تهیه و تدوین ۹۸ ISP پاسخ داده شد.

اگرچه در تمامی دوره زمانی تکامل اعتبارات

به نظر می‌رسد که رشد فوق‌العاده استفاده از اعتبارات اسنادی، مربوط به اوایل دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی می‌باشند، یعنی دوره‌ای که تعداد بانک‌های حاضر در بازار اعتبارات اسنادی به صورت بی‌سابقه‌ای رشد کرد.

اسنادی، میزان استفاده از این سند تجاری نیز رو به تزاید بوده و بر میزان مقبولیت آن افزوده شده است، اما به نظر می‌رسد که رشد فوق‌العاده استفاده از آن، مربوط به اوایل دهه ۱۹۵۰ تا اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی، یعنی دوره‌ای باشد که تعداد بانک‌هایی که وارد بازار اعتبارات اسنادی شدند، به صورت بی‌سابقه‌ای رشد کرد. تغییرات پیدا شده در این دوره در بازار، اقتصاد و احوال سیاسی کشورها، ظهور اقتصادهای پیویا، رشد کمک‌های دولتی و وام‌هایی که برای ایجاد و توسعه زیرساخت‌ها در کشورها پرداخت می‌شدند و بالاخره، توجه به توسعه کشاورزی، همگی استفاده از اعتبارات اسنادی را رونق و گسترش دادند و هر بانکی که اداره مستقلی برای اعتبارات اسنادی نداشت، آن را ایجاد کرد. علاوه بر این، بانک‌ها گروه‌هایی را برای توسعه بازرگانی موسوم به «فروش خدمات تجاری (Trade Services Sales)» به وجود آوردند، شرکت‌های حمل و نقل هم خدمات ویژه‌ای را برای معاملاتی که از طریق اعتبار

اسنادی انجام می‌شد، عرضه کردند. به برکت بازارهای صادراتی جدیدی که پیدا شده بود، بخش خصوصی در راه توسعه و رونق معاملات اسنادی تلاش می‌کرد، واردکنندگان کالا نیز به تدریج پی بردند که با استفاده از اعتبارات اسنادی می‌توانند حتی برای خرید کالاهای خیلی مرغوب خارجی نیز از منابع مالی آن کشورها استفاده کنند. با استفاده از اعتبارات اسنادی، علیرغم افزایش هزینه‌های حمل و نقل و بیمه، هنوز می‌شد سودهای قابل توجهی را به دست آورد.

استقبال گسترده از اعتبار اسنادی آغاز شده بود و به دنبال خود انگیزه زیادی را در بانک‌ها - چه بانک‌های صادرکننده L.C. و چه بانک‌های پرداخت‌کننده - و دیگران ایجاد کرده بود تا با وضع و تدوین استانداردها و قواعد رفتاری مشخص، ضمن پایین نگاه داشتن هزینه‌های خدمات مربوط، توان پاسخگویی به این نیاز فزاینده را پیدا کنند و از رهگذر تعداد و حجم بالای معاملاتی که بدین طریق صورت می‌گیرد، سود مطلوب خود را به دست آورند. از هر طرف که به مساله نگاه می‌شد، ضرورت تدوین این قواعد و استانداردها مشاهده می‌شد. می‌بایست شرایط اساسی و کلی لازم در اسناد، فرآیندها و رویه‌های مربوط به اعتبارات اسنادی توسط این استانداردها مشخص می‌شد و به اطلاع تمامی اشخاص ذینفع در اعتبارات اسنادی و دست‌اندرکاران زنجیره تجارت کالا - اعم از صادرکنندگان، واردکنندگان، بانک‌ها، شرکت‌های حمل و نقل، مالکان کشتی، شرکت‌های بیمه و مانند اینها - می‌رسید.

اغلب این استانداردها در قالب UCP مدون شدند. قواعد و استانداردهای دقیق UCP در زنجیره پیوسته معاملاتی که تجار بزرگ و مجرب انجام می‌دادند، تنها نقشی فرعی و حاشیه‌ای داشت و نه تنها برای آنها مشکلی را ایجاد نمی‌کرد، بلکه در بسیاری مواقع منافی را نیز به همراه می‌آورد. اما برای تجار کم‌کارتر و آنهایی که تازه استفاده از اعتبارات اسنادی را تجربه می‌کردند، برعکس، مشکلاتی سخت و جدی را به دنبال می‌آورد. وقتی که تاجر تازه کار مدارک مورد نیاز مندرج در L.C. را به بانک ارائه می‌کرد و بانک براساس استانداردهای UCP وجود موارد مغایرت میان مفاد L.C. و مدارک ارائه شده آنها را رد می‌کرد، تاجر بخت برگشته گمان می‌کرد که این قواعد و استانداردها را بانک‌ها فقط با این هدف درست کرده‌اند که از آنها برای پنهان کردن موارد مغایرت استفاده کنند و به این بهانه پرداخت مبلغ قرارداد را به تاخیر بیندازند یا کارمزد بیشتری را مطالبه کنند. گاه حتی، شرکت‌های بزرگ و معتبر صادرکننده کالا نیز در مواردی که بانک‌ها با اسناد به

وجود موارد خیلی ریز و فنی مغایرت از پرداخت وجه امتناع می‌کردند، همین حرف‌ها را می‌زدند.

آیا دیدگاه‌ها و اعتراضات مطرح شده صحیح هستند، یا تهیه استانداردهای مدون برای اعتبارات اسنادی هم واجد جنبه‌های منفی و هم جنبه‌های مثبت بوده است؟ آیا اعتبار اسنادی، سندی سخت و انعطاف‌ناپذیر است و این قواعد و استانداردها باعث شده که هیچ امکان نرمشی در آن باقی نماند؟ آیا اعتبارات تضمینی هم به سرنوشت اعتبارات اسنادی تجاری دچار خواهند شد و به جای UCP، گرفتار مقررات دقیق و خشک مندرج در ISP خواهند شد؟

حال: سند قابل اعتمادی که آثار کهنوت در آن پیداست

بنا به دلایل فنی و اجرایی، دست اندرکاران و مجریان عملیات اعتبارات اسنادی بازرگانی و تضمینی، به متخصصانی کاملاً حرفه‌ای و فنی تبدیل شده‌اند که مجبورند برای اجرای صحیح کاری که بر عهده دارند و مسوولیت‌های متعددی که پذیرفته‌اند، مهارت‌های مختلفی را به دست بیاورند. به علاوه، لازم است که آنها برای آگاهی از تحولات و پیشرفت‌هایی که همواره در این رشته پیدا می‌شود، از یک برنامه مطالعاتی منظم پیروی نمایند. البته بیشتر تغییرات و تحولاتی که پیش می‌آید، از اراده بانکداران خارج است و آنها مجبورند که برای برخورد صحیح با اسناد و مدارک مختلف مربوط به حمل و نقل، بیمه، بسته‌بندی کالا، مکاتبات، امور مالی و غیره که به آنها ارایه می‌شود، تغییرات به‌وجود آمده را در مد نظر داشته باشند و استانداردهای وضع شده را اعمال نمایند. مقررات مربوط به عرف‌ها و رویه‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های جدید یا بازنگری شده‌ای که توسط مقامات عالی نظام بانکی ایالات متحده، وزارت بازرگانی ایالات متحده، اداره خزانه‌داری یا سایر نهادهای حکومتی مشابه وضع می‌شوند نیز بایستی از طرف بانک‌ها مورد تبعیت قرار گیرند. در این موارد، بانک‌ها مکلف نیستند که وضعیت خود را عیناً با این مقررات منطبق نمایند، بلکه وظیفه دارند شرایطی را که این مقررات بر آنها تحمیل می‌کند، مراعات نمایند.

به علاوه، بسیاری از متخصصان و دست‌اندرکاران اعتبارات اسنادی تضمینی، در بسیاری از اعتبارنامه‌هایی که برای تضمین وام‌ها، ضمانت‌نامه‌ها و سایر اسناد تضمینی، معاملات املاک، اجاره املاک، ارایه تسهیلات اعتباری و مانند اینها صادر می‌شود، از مساعدت و همکاری تنگاتنگ حقوقدانان نیز بهره‌مند می‌شوند. با دقت در ساهیت دعای مربوط به اعتبارات تضمینی، باید گفت که تجربیاتی که از مطالعه این نوع دعای به دست

می‌آید، می‌تواند نقش موثری در تهیه اعتبارات تضمینی بهتر در آینده داشته باشد.

البته از مطالعه UCP به خوبی معلوم می‌شود که بعضی از مواد آن، در حقیقت، بیانگر خواست و تمایل بانک‌ها در مورد نحوه برخورد با مسوولیت‌هایی است که آنها در کار با اعتبارات اسنادی بر عهده دارند. اگرچه تنظیم UCP بدین نحو در اصل به نفع بانک‌هاست، اما در عین حال، چون در اینجا نیز مثل هر قرارداد دیگری، پیشاپیش طرف قرارداد اطلاع می‌یابد که با چه شرایطی روبه‌روست و بر آن اساس تصمیم می‌گیرد، لذا علاوه بر بانکداران، استفاده‌کنندگان از اعتبارات اسنادی نیز از آن سود می‌برند.

واقمیت این است که قواعد و استانداردهای متحدالشکل اعتبارات اسنادی تنها با هدف تامین منافع بانکداران تهیه و تدوین نشده‌اند، بلکه آنها ضامن منافع هر دو گروه، یعنی هم بانکداران و هم

○ وقتی که ناچار تازه‌کار مدارک مورد نیاز مندرج در L.C را به بانک ارایه می‌داد و بانک هم براساس استانداردهای UCP و به دلیل وجود موارد مغایرت میان مفاد L.C و مدارک ارایه شده، آنها را رد می‌کرد، ناچار بخت‌برگشته گمان می‌کرد که بانک‌ها این قواعد و استانداردها را وضع کرده‌اند تا به این بهانه، پرداخت مبلغ قرارداد را به تاخیر بیندازند یا کار مزد بیشتری را مطالبه کنند، در حالی که...

مشتري‌های آنها می‌باشند، یعنی ضمن این که تکالیف و مسوولیت‌هایی بر عهده طرفی که با اعتبار اسنادی معامله می‌کند، گذاشته شده است، تکالیف و مسوولیت‌هایی نیز برای طرفی در نظر گرفته شده است که فرایند این معاملات را تحت نظارت دارد. برداشت واردکنندگان و صادرکنندگان باتجربه‌ای که آشنایی کامل با UCP دارند، از این سند این است که UCP می‌تواند در معاملاتی که از طریق اعتبارات اسنادی صورت می‌گیرد، حمایت‌های اساسی و قابل توجهی را از آنها به عمل آورد.

با توجه به صلاحیت‌ها و شرایط فنی و قانونی‌ای که بایستی در هر دو طرف صادرکننده اعتبار اسنادی و استفاده‌کننده از آن وجود داشته باشد، هزینه‌های مربوط به اعتبارات اسنادی تجاری و تضمینی، مجموع هزینه‌های آنها را بالا می‌برد. البته در جریان این هزینه‌ها، علاوه بر عامل رقابت، کاهش هزینه‌های تولید در اثر اتوماسیون، بالا بردن

استانداردهای تولید، به کارگیری امکانات پیشرفته ارتباطات بین‌المللی و فشرده و یکپارچه‌سازی فرآیند تولید که در اقتصادهای با تولید انبوه موجب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود، همگی می‌توانند موثر باشند.

پیش چشم بانکداران، متخصصان تجارت، دانشگاهیان و سایر کسانی که می‌فهمند که بدون وجود استانداردهای بین‌المللی برای اعتبارات اسنادی، کاهش یا مهار هزینه‌ها امکانپذیر نمی‌شد، استفاده از اعتبارات اسنادی جایگاه سابق خود را از دست داده و رو به کاهش می‌رود. بسیاری هم بر این باورند که مساله هزینه‌های اعتبار اسنادی اگرچه می‌تواند علتی برای کاهش استقبال از این سند تجاری باشد، اما علت اصلی نیست. آنان معتقدند که علت اصلی را باید در وضعیت بازار، ساختار رابطه با مشتری، روش‌های حمایتی بیمه‌ای جایگزین، روش‌های جدید تامین مالی و سرانجام، تغییر در برداشتی که از میزان ریسک در کشورهای خریدار و فروشنده کالا و خدمات وجود دارد، جستجو کرد.

از این دیدگاه، طیف گسترده‌ای از مشتری‌های متوسط بازار که از این پس در معاملات خود به L.C وابسته نخواهند بود، حذف می‌شوند و مابقی بازار مشتمل بر واردکننده‌ها و صادرکننده‌های تازه‌کار، دلال‌های متوسط و خرده فروش‌های زیادی خواهد بود که تامین‌کنندگان اجناس آنها برای استفاده از اعتبارات قابل انتقال و تسهیلات اعتباری پشت به پشت به اعتبار آنها نیاز دارند. این مجموعه را فروشنندگان و خریداران کالاهایی تشکیل می‌دهند که به دلیل قرار گرفتن کشورهای متبوعشان در وضعیت‌های بد اقتصادی و یا سیاسی، از اعتبار لازم برای انجام معامله در بازارهای جهانی برخوردار نیستند. این کشورها، خواهان حفظ روابط بانکی و فراهم کردن اعتبار از طریق استفاده از اعتبارات اسنادی هستند تا بدینوسیله، جریان واردات و صادرات کالا و خدمات را برقرار نگهدارند. پایه تداوم این روابط بانکی را هم درک و تفاهمی تشکیل می‌دهد که در طول سال‌ها با تکیه بر قواعد، قوانین و استانداردهایی که بستر مشترک همکاری و فعالیت بوده‌اند، به وجود آمده است. از اینرو، به نظر می‌رسد که در اینجا این قواعد، قوانین و استانداردها به جای این که خصلت منفی داشته باشند، توانسته‌اند نقشی مثبت را ایفا نمایند.

این تصور که L.C سندی است که در حد نامیدکننده‌ای سخت و انعطاف‌ناپذیر است، خود دانستنی دیگر است و این چیز است که استفاده‌کنندگان کم تجربه‌تر همیشه از آن شکایت دارند. در اعتبار اسنادی، می‌توان بی‌نهایت شرط، قید،

تکلیف و مانند اینها را گنجانند. اما در I.C نیز مثل هر قرارداد دیگری، تمامی طرف‌های قرارداد بایستی در مورد مفاد و مندرجات آن به توافق برسند و به آن رضایت داشته باشند. جالب اینجاست که بدنامیم واردکنندگان و صادرکنندگان با تجربه از گوناگونی و تنوع در مفاد اعتبار اسنادی استقبال می‌کنند و از آن برای کسب سود بیشتر بهره می‌برند. از طرفی، فروشندگان کالا به تدریج به جای استفاده از اعتبارات اسنادی بازرگانی ساده، به سمت استفاده از اعتبارات اسنادی قابل انتقال و قابل واگذاری و اعتبارات اسنادی پشت به پشت گرایش پیدا می‌کنند. از طرف دیگر، خریداران کالا در مواقعی که می‌خواهند فروشندگان را به پذیرش شرط حساب باز در معاملات فیما بین وادار کنند، تلاش می‌کنند تا اعتبارات اسنادی تضمینی را جایگزین اعتبارات اسنادی بازرگانی نمایند. شاید از اینروست که در موارد بروز اختلاف نظر بین بانک و ذینفع اعتبار اسنادی، صحبت از سختی و انعطاف‌ناپذیری مقررات و استانداردهای حاکم بر اعتبارات اسنادی به میان می‌آید. موارد اختلافات فرضاً زمانی پیدا می‌شود که در موقع ارایه مدارک از طرف ذینفع به بانک، بانک با موارد مغایرت (میان مدارک و اعتبارنامه) مواجه می‌شود و بر آن اساس، از پرداخت وجه (برات مربوط) یا قبول آن امتناع می‌ورزد و ذینفع هم مغایرت‌های اعلام شده را نمی‌پذیرد. در این وضعیت، چنانچه ذینفع نتواند بانک را به تغییر نظرش متقاعد کند، ممکن است مدعی شود که بانک انعطاف‌ناپذیر است و در نهایت نیز به این نتیجه برسد که اعتبار اسنادی و مقررات مربوط به آن فی‌نفسه خشک و انعطاف‌ناپذیر هستند. با توجه به بالا بودن تعداد موارد اعلام مغایرت توسط بانک‌ها - چه در گذشته و چه در زمان حال - می‌توان داستان انعطاف‌ناپذیری اعتبارات اسنادی و استانداردهای آن را صحیح و قابل قبول دانست.

آینده: تغییر شکل تکاملی یا انقلابی؟

امروز ۹۸ ISP به تصویب رسیده و استفاده از آن در حال گسترش است، اما باید دید که تصویب این سند به استفاده از اعتبارات تضمینی در آینده رونق خواهد بخشید یا این که باعث متروک ماندن آن خواهد شد؟ طراحان و تدوین‌کنندگان ISP به دنبال تهیه مجموعه قواعدی بودند که بتواند نقایص و کاستی‌های UCP را جبران نماید. ایشان دقت زیادی به عمل آوردند که رویه‌های جاری، استانداردها و رویه‌های مسلم و پذیرفته شده را در ISP بگنجانند. در اصل انعکاس‌دهنده نظریات و منافع بازرگانان بخش خصوصی و بخش مالی است، اما در عین حال، نقطه نظرات دست‌اندرکاران اجرایی، دانشگاهیان و

حقوقدانان را نیز مورد توجه قرار داده است. این رویکرد، باعث بالا رفتن میزان مقبولیت ISP بوده و در اولین مرحله زندگی این سند تجاری بین‌المللی، موجبات بقا و تداوم حیات آن را فراهم کرده است. ۹۸ ISP با حمایت و تایید اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC) مورد شناسایی جهانی قرار گرفته و به نظر می‌رسد که طی دو دهه آینده، هر چه بیشتر مورد پذیرش و استفاده جهانیان قرار گیرد. لذا باید در مورد ۹۸ ISP گفت که این سند تجاری بین‌المللی به تداوم حیات اعتبارات تضمینی کمک خواهد کرد، نه این که از مطلوبیت آن‌ها بکاهد.

به راحتی می‌توان وضعیت اعتبارات اسنادی را با هر کالای دیگری در بازار مقایسه کرد. وضعیت اعتبار اسنادی هم مثل وضعیت کالا، همواره در حال تحول و تغییر و متاثر از چرخه حیات بازار - مشتری می‌باشد. برای هر مشتری اعتبار اسنادی یک دوره زمانی خاص وجود دارد که این در حقیقت، نشان‌دهنده

قواعد و استانداردهای مستحضر شکل اعتبارات اسنادی تنها با هدف تسامین منافع بانکداران تهیه و تدوین نشده‌اند، بلکه این قواعد ضمن منافع هر دو گروه یعنی هم بانکداران و هم مشتریان آنها می‌باشند.

ساده‌لوحانه خواهد بود اگر فکر کنیم که اعتبار اسنادی به شکل و ترتیبی که امروز وجود دارد، تا آینده‌ای نامحدود وجود خواهد داشت.

و نمونه چرخه زندگی اعتبار اسنادی مورد استفاده وی نیز می‌باشد. این دوره زمانی در مورد هر گروه از مشتری‌ها متفاوت است و تحت تاثیر عوامل گوناگونی قرار دارد. در هر دوره زندگی، با از بین رفتن تدریجی انگیزه و هدفی که از استفاده از اعتبار اسنادی وجود دارد، وابستگی به این کالا کاهش می‌یابد و بخشی از بازار آن از دست می‌رود. باقیمانده استفاده‌کنندگان و بعضی از استفاده‌کنندگان جدیدی هم که پیدا می‌شوند، به استفاده از مدل‌های کاملتر و جدیدتر این کالا ادامه می‌دهند، ضمن این که باید توجه داشت که در هر حال، حجم و حوزه بازار باقیمانده به طور کلی سیر نزولی خواهد داشت. نیروهای بیرونی موثر در این بازار نیز در حال تغییر و پویایی هستند و همواره به دنبال پیدا کردن جایگزین‌های دیگری برای این محصول (اعتبار اسنادی) می‌باشند، به نحوی که بتواند با هزینه کمتر و تخصص و نیروی کار کمتر،

همان کار پرداخت، پذیرش تعهد و تامین اعتبار مالی را برای آنها انجام دهد. این نیروها با درجات مختلف موفقیت به کار مشغول هستند. اما در هر حال، صرفنظر از میزان توفیقی که هر یک از این نیروها می‌توانند داشته باشند، هر یک به اندازه خود بخشی از پیکر اعتبارات اسنادی را می‌تراشند و از بین می‌برند. خلاصه این که، ساده‌لوحانه خواهد بود اگر فکر کنیم که اعتبار اسنادی به شکل و ترتیبی که امروز وجود دارد، تا آینده‌ای نامحدود وجود خواهد داشت. مسأله‌ای پیچیده اعتبار اسنادی نزد خریداران و فروشندگان کالا یا نیاز به آن و نیز منافع حقوقی‌ای که بر این سند تجاری مترتب است، همگی متاثر از پیشرفت‌های تکنولوژیک بوده‌اند و در آینده نیز خواهند بود. مسلماً قدم بعدی‌ای که اعتبار اسنادی در راه تکامل برمی‌دارد نیز تحت تاثیر پیشرفت فن‌آوری خواهد بود. در این قدم بعدی، احتمالاً اعتبار اسنادی به شکل اسنادی که امروزه وجود دارد، نخواهد بود. این راه در حال پیمودن است. تدوین EUCP (یو سی پی الکترونیکی) جدید در عالم تجارت و بانکداری تنها گام کودکانه‌ای در راه تحولات اساسی بعدی می‌باشد. اما در هر صورت، این تحولات آینده هر چه باشند، تاجر واردکننده و صادرکننده کالا همچنان اعتبار اسنادی را به عنوان واسطه ناظری می‌دانند که با رعایت امانت، در وسط قرار داد حاضر شود و از منافع ایشان حمایت کند. لذا بر این اساس، سازمان‌های مالی و پولی باید از این پس به گونه‌ای تجهیز شوند که بتوانند به خوبی نقش این واسطه را بازی کنند، و شرط این کار نیز مسلماً مشارکت در تدوین و توسعه استانداردها و رویه‌های متناسب با تحولات و پیشرفت‌های آینده خواهد بود.

زیر نویس‌ها

- ۱) فیلیپ جی. دوچیارا در سال ۲۰۰۱ در پست قائم‌مقامی Wells Fargo Bank (که قبلاً Norwest Bank Minnesota N.A نامیده می‌شد) بازنشسته شد. وی سابقه چهل سال همکاری با این بانک و همچنین، Continental Bank of Illinois National Bank و Trust Company America را داراست.
- ۲) درباره تاریخچه پیدایش و تحول UCP مراجعه شود به: "History of the UCP"/Dan Taylor/ Documentary Credit World/ Volume 3/ No. 12
- ۳) مجموعه مدون «رویه‌های مربوط به اعتبارات تضمینی بین‌المللی» (International Standby Practice).
- ۴) اینها را «اعتبارنامه‌های اتکایی»، «اعتبارات اسنادی احتیاطی» و «اعتبارات یا اعتبارنامه‌های ضمانتی» نیز می‌گویند.